

تماشاخانه

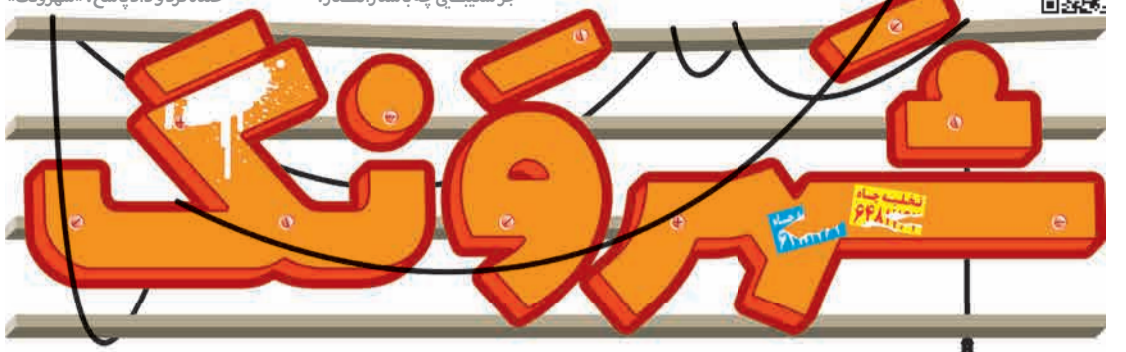
ناعیم تدین | کار نویسندگی: naemator@gmail.com



توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

پیراگفتم: به ماشد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شمار هفتصد و پنجاه و سوم



به بهانه پایان سال ۱۳۹۷

چهارشنبه سوری: «نمی دونم امسال چرا ترقه ام نمیداد!»

- ◀ مردم: «چند روز استراحت بید که به نفس بگیریم!»
- ◀ دلایل: «سال خوبی بود، امیدوارم استمرار داشته باشه!»
- ◀ دلایل: «اگه هنوزم به یادمی لایک کن!»
- ◀ خودروی داخلی: «توی عید بیشتر از من می شنویدا!»

#تمام شد #نوروز مبارک #امید_و_امید #شهرونگ

به مناسبت روز پدر

کشف بزرگترین محموله جوراب قاچاق در متروی تهران!

- ◀ دلایل جوراب: «دل نمی آد این یه دونه دل خوشی روز تون بگیرم.»
- ◀ افزایش قیمت جوراب نانو برنت شمال در ایستگاه درواز دولت
- ◀ زن: «به دلیل همزمانی روز مرد و نوروز یک روز زن دیگه لطفا اضافه کنیدا!»
- ◀ جوراب: «رفیق بی کلک فقط خودم!»

#بیچاره پدر #شهرونگ

شبگردی

مقابله خانم باجی با نوروز
نوروز در مظان اتهام



شهرام شهیدی
طنز نویس

خانم باجی از اهالی خانه تست گرفت، او ابتدا این دو ترانه فولکلور مربوط به چهارشنبه سوری و نوروز را باز خوانی کرد و گفت همه باید در آستانه نوروز به صورت کتبی به سوال هایی که بعد از خواندن این دو ترانه از ما می پرسد، پاسخ بدهیم تا بر اساس پاسخ ها، تکلیف خودی و غیر خودی در سال ۹۸ روشن کند.

۱- زردی من از تو، سرخی تو از من / غم برو شادی بیام، محنتت برو روزی بیا

۲- حاجی فیروزم ... سالی یه روزم ... همه می دونن ... منم می دونم ... عید نوروزم ... ارباب خودم سامبولی بلیکم ... ارباب خودم سر تو بالا کن ... ارباب خودم متونیکا کن ... ارباب خودم لطفی به ما کن ... ارباب خودم بزبز قندی ... ارباب خودم چرانمی خندی؟ ... بشکن بشکن ... بشکن ... من نمی شکنم ... بشکن ... این جایشکنم یار گله داره ... اون جایشکنم یار گله داره ...

پرسش ها:

- ۱- در عبارت زردی من از تو منظور از زرد چیست؟ جلیقه زرد مردم پاریس؟ کارت زرد به دولت؟ نشریه زرد طرفدار یک تیم خاص؟
- ۲- آیا عبارت سرخی تو از من نشان دهنده این موضوع نیست که داوری سرخی برخی تیم ها را با سوت های اشتباه از آنها گرفته است؟
- ۳- فرد مزبور چرا و با چه هدفی زردی خود را به آتش می دهد؟ این عبارت را با توجه به استندراک خود کدایی و رمز گشایی نماید.
- ۴- در عبارت «سرخی تو از من» سرخی را با چه وسیله ای طلب می کند؟ زور گیری؟ مذاکره؟ جدل؟ تلمع یا...؟
- ۵- در همین ترانه «زردی من از تو، سرخی تو از من» تراپی کدام است؟ فرمانده کره شمالی کدام است؟
- ۶- چرا کسی به مصرع «غم برو شادی بیا» اعتراض نمی کند؟ مگر غمی وجود داشته که برود؟ مگر شادی ای نبوده که بیاید؟
- ۷- آیا منظور سراینده از «سالی یک روز» در ترانه حاجی فیروز، همان موعد انتخابات نیست؟ چرا در همه سال فقط یک روز باید باشد؟
- ۸- سامبولی بلیکم چیست؟ و چه کار کردی دارد؟ چه کسی سالی یک روز است؟ کسی که سالی یک روز هست بقیه سال دستش کجا بند است؟ کانادا؟
- ۹- آیا وجود واژه ارباب در این شعر نوروزی نشان دهنده اربابی بودن فرهنگ نوروز نیست؟ و وظیفه ما نیست که با این پدیده مقابله کنیم؟
- ۱۰- سیاه کردن صورت حاجی فیروز نماد سیاه نمایی نیست؟
- ۱۱- ارباب خودم بزبز قندی نماد محبت به حیوانات و شست و شوی مغزی کودکان نیست؟ این بحث برای منحرف کردن بحث ممنوعیت سگ گردانی و تقابل با این طرح مطرح نشده است؟
- ۱۲- آیا خواندن واژه های «بشکن بشکنه بشکن» به نوعی دعوت جامعه به آناشیسیم نیست؟

پوزش و تمجیح

در شماره روز یکشنبه گذشته، نویسنده مطلب «جواد پویان، خط بدون هاشور»، آقای «بیخی تدین» بودند که به اشتباه «نعم تدین» قید شده بود. بدینوسیله از ایشان پوزش می خواهم.

فلکه اول

تبریک، وارد مرحله بعد شدیم! | شهاب نبوی

سال ۱۳۹۷ در حالی تمام می شود که بسیاری از ما فکر نمی کردیم بتوانیم تا این مرحله ادامه بدهیم اما بار دیگر ثابت کردیم که ما می توانیم. خود من شخصا چند بار تا آستانه غم پیش رفتم و فقط توانستم با کمک مختصر چون هایی که قبلا ذخیره کرده بودم، ادامه بدهم. ان شاء الله اگر این یکی دوروز را هم قسر در برویم، از جنگ و گریزهای چهارشنبه سوری هم به سلامت عبور کنیم و توی عید هم اسیر تصادفات جاده ای نشویم و بعد از تعطیلات توسط راننده و کار فرما که من زنده نشود، می توانیم امیدوار باشیم که در سال آینده از برهه حساس عبور کنیم و بتوانیم یک نفسی



شهر زیبا

آقای مصدق الان وقت تعطیل کردن بود؟

و چگونه باید به این مسأله اعتراض کنیم. اقدام اول این است که خودمان از چند روز قبل از ۲۹ اسفند همه چیز را تعطیل کرده و تا چند روز بعد از سیزده بدر به تعطیلی ادامه بدهیم و در این مدت از انجام هر گونه فعالیت مفید و سازنده خودداری کنیم تا همگان بفهمند که ما بر سر تعطیلات خود با کسی شوخی نداریم. همچنین بر هر ایرانی تعطیلی دوستی فرض است که در این دوران به تق و لق کردن همه چیز اقدام کرده و هر کس پرسید چرا فلان کار انجام نمی شود، جواب بدهد: «چون تق و لقه» کارمندان هم اگر کوچکترین کاری انجام دهند مچ شده و از ادامه مسابقات حذف می شوند. کارمندهای بانک ها و مراکز شیفیتی هم باید به صورت خواب آلود و بی اعصاب در محل کار خود حاضر شده و با ارباب رجوع دعوا داشته باشند. وظیفه دانشجویان و دانش آموزان هم که واضح است، شاد و پیروز باشید.

در حال دابسمش کردن ترانه «چه شاعرانه یه پتر خیس و ... دریا کنار و برسه های عاشقاوونه» می انداخت تو جاده چالوس و تندتند هم برایمان لایو و استوری می گذاشت ولی این کار را نکرد و به این ترتیب یک تعطیلی خوب و مهم را به باد فنا داد. شما یک لحظه با خودت فکر کن که مثلا صنعت نفت به جای ۲۹ اسفند در ۲۰ فروردین ملی شده بود. یعنی این امکان به وجود می آمد که از ۱۳ فروردین یک بین تعطیلین بزرگ بزیمیم تا بیستیم و از آن جا هم وصل کنیم به یکی از جمعه های اول اردیبهشت و به این ترتیب یک ماه از سال را تعطیل کنیم برود پی کارش. دم دستی ترین سود این قضیه این بود که مشکل غم و ناراحتی غروب سیزده بدر حل می شد و روز طبیعت کوفتمان نمی شد و می توانستیم با خیال راحت به تخریب منابع طبیعی بپردازیم. مسأله مهم این است که وظیفه ما در قبال این اشتباه تاریخی چیست



حسام حیدری
طنز نویس

به گواهی هزاران سند انکار نشدنی، یکی از دلایل مهم سرسپردگی و دلدادگی دکتر محمد مصدق به آمریکای جهان خوار فقیر و در حال فروپاشی، همانا ملی کردن صنعت نفت در روز ۲۹ اسفند است که خودش تعطیل خدایی است و تعطیل کردنش به هیچ دردی نمی خورد. آقای دکتر مصدق اگر کمی ژرف اندیشی و از این چیزها داشت با خودش می گفت: «این خارجی ها که دارن نفت رو می خورن ... بذار یه پونزده روز دیگه هم بخورن ... از شمال که برگشتم ملیش می کنم میره.» همان موقع یک تابلوی «سیستم قطع است ولی شما عیدی یادتون نره» روی در دفتر نخست وزیر نصب می کرد و بر و بچه ها و نماینده های مجلس را می ریخت تو ماشین و

صدای مخاطب

شرمند آقای فیثاغورس | حمید بر خرداری

کتاب قفسه کتاب ها ایستاده بود و درباره شخصیت های مهم فلسفه صحبت می کردند. هر چند بحث چندان عمیقی نداشتند و موضوع اصلی حرفشان ظاهر فیلسوف ها بود اما دوستش اشاره به صورت اصلاح شده هگل داشت می گفت: «کنار همین صورت گوگولی بافکارش باعث ریختن شدن موهای زائد جمعیتی شده!» اما خودش سریع حرف دوستش را رد کرد و نگاه ریزی بهم انداخت و گفت: «تخیر جذابیت یک مرد به ریش او نه من فیثاغورس رو ترجیح میدم!» بخندی زدم و همان لحظه دستی به ریش هایم کشیدم، که فروشنده گفت: «آقا کارتون موجودی نداره!» جدا از جاماندن خریدن همه کتابی که قرار بود از هر کدامشان عکسی همراه با فتجانی قهوه به اشتراک بگذارم در یک لحظه گند زده شده به آن سکانس دراماتیک و در آخری خیال همه چیز و بدتر از همه آنها شرمند فیثاغورس شدم و بیرون آمدم.

شهر فرنگ

فیروزه مظفری | کار نویسندگی



شهرونگ